

# مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی رہ یافتہ

سال ہفدہم، شماره ۶۵، زمستان ۱۴۰۲

صفحه ۱۴۱ تا ۱۶۰

## نقش دولت در تأمین توسعه پایدار محیط زیستی در ایران

سمانه محمدی / دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی پردیس بین المللی کیش، دانشگاه تهران، تهران، ایران  
samaneh.mhdi88@gmail.com

شہلا معظمی / دانشیار دانشگاه تهران، تهران، ایران (نوسنده مسئول) smozami@ut.ac.ir

### چکیده

آموزة توسعه پایدار بر این اصل اساسی استوار است که افراد بشر موظف هستند از منابع طبیعی، زمین به نحوی بهره برداری کنند که ضمن برآوردن خواسته ها و نیازهای خود (مصرف معقول درون نسل)، به منابع مورد نیاز نسل های آینده (مصرف معقول میان نسل)، آسیب، نزده و محیط زیست خود و دیگر موجودات زنده را با خطر مواجه نسازند. برای این منظور، در قالب جرم شناسی، سبب، قوانین و مقررات، برای مقابله با تهدیدهای زیست محیطی، تدوین و اجرا شده اند. بر این اساس، در این نوشتار در پی پاسخ به این مسئله هستیم که «در ایران با لحاظ کردن رویکرد جرم شناسی، سبب در حفظ محیط زیست سالم و پاک در درون قلمرو خود، دولت چه نقش، در توسعه پایدار زیست محیطی، کشور ایفا می کند؟» در پاسخ به این پرسش و با در نظر گرفتن مباحث مربوط به توسعه پایدار و حفظ محیط زیست، این فرضیه پژوهشی، را مطرح می شود که دولت ایران به دلیل الزام های قانونی بین المللی و داخلی، در حفظ محیط زیست سالم برای مردم و با توجه به جرم انگاری آسیب ها و تخریب های زیست محیطی، می تواند نقش، مثبت و فعال در توسعه پایدار کشور داشته باشد. همچنین یافته های پژوهش حاکی از صحت فرضیه ی پژوهش می باشد. روش پژوهش در این نوشتار توصیفی - تحلیلی است و متناسب با آن شیوة گردآوری داده نیز کتابخانه ای و بهره گیری از اسناد و متون موجود است.

**کلیدواژه:** ایران، توسعه پایدار، جرم شناسی، سبب، زیست بوم زدا، محیط - زیست سالم

تاریخ تأیید ۱۴۰۲/۰۹/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۷

## مقدمه

توسعه، بهره‌گیری از منابع به منظور ایجاد زیرساخت‌ها و شرایط مادی پیشرفت یک جامعه به‌ویژه از نظر دسترسی به علوم و فناوری و همچنین ایجاد ساختارهای اقتصادی و صنعتی است که دستاوردهای آنها، نیازهای اساسی بشر را تأمین می‌کند. نخستین نظریه‌های توسعه، از فردای جنگ جهانی دوم، با نگرشی مضیق و کمی به توسعه طرح شدند. در این نگرش مضیق یا آنچه بعدها توسعه ناپایدار خوانده شد، توسعه در معنای رشد اقتصادی، افزایش درآمد سرانه، صنعتی شدن، افزایش تولید ناخالص داخلی و انباشت سرمایه مد نظر بود (شیوا، ۱۳۷۷: ۲۰۲؛ سلیم، ۱۳۹۱: ۳۹، سن، ۱۳۸۱: ۱۳).

مفهوم توسعه، از دهه ۱۹۸۰ به بعد از حالت تک‌بعدی اقتصادی به تدریج فاصله گرفته و مؤلفه‌های اجتماعی، زیست‌محیطی و انسانی نیز به عنوان ابعاد جدید به آن افزوده شد. وقتی که جهان با حجم گسترده‌ای از تخریب محیط زیست طبیعی و حتی فضای حیاتی انسان مواجه شد، بستر جدیدی از مفهوم توسعه با وصف «پایدار» را پدید آورد (آقایی، ۱۳۸۲: ۱۴-۱۱). حفاظت از محیط‌زیست سالم و ایمن، محور مفهوم توسعه پایدار است که موضوع بسیاری از اعلامیه‌های و معاهدات بین‌المللی بوده است. توسعه باید به لحاظ زیست‌محیطی پایدار باشد. یعنی در بهره‌برداری از منابع طبیعی و محیط‌زیست باید به حق نسل حاضر و نسل‌های آینده و تمام موجودات زنده به طور همزمان توجه شود. برای این منظور برخی استانداردهای محیط‌زیستی وضع و دولت‌ها و شرکت‌های بزرگ و کوچک و افراد ملزم به رعایت آنها شده‌اند تا آلودگی و تخریب محیط‌زیست، منجر به نابودی زیست‌بوم و به تعبیری اکوساید نگردد. برای مقابله با جرائم زیست‌محیطی، گرایشی تحت عنوان جرم‌شناسی سبز یا جرم‌شناسی زیست‌محیطی پدید آمده است که هرچند عمری کوتاه دارد، اما گام‌های مهمی در زمینه مقابله با آسیب‌ها و جرائم محیط‌زیستی برداشته است. با توجه به آنچه گفته شد، مقاله حاضر درصدد پاسخ به این پرسش است که در ایران با لحاظ کردن رویکرد جرم‌شناسی سبز در حفظ محیط‌زیست سالم و پاک در درون قلمرو خود، دولت چه نقشی در توسعه پایدار زیست‌محیطی کشور ایفا می‌کند؟ در پاسخ به این پرسش و با توجه به نظریات و چارچوب مفهومی «توسعه پایدار» و ارتباط آن با مفهوم «حق محیط‌زیست سالم»، فرضیه پژوهش عبارت است از اینکه «دولت ایران به دلیل الزام‌های قانونی بین‌المللی و داخلی در حفظ محیط‌زیست سالم برای مردم از طریق جرم‌انگاری سبز به منظور مقابله با جرائم و آسیب‌های زیست‌محیطی و جلوگیری از تکرار آنها، قادر است نقش ایجابی، موثر و مثبتی را در ارتقای توسعه پایدار زیست‌محیطی ایفا نماید».

روش پژوهش در این نوشتار توصیفی-تحلیلی است و متناسب با آن شیوه گردآوری داده نیز کتابخانه‌ای و بهره‌گیری از اسناد و متون موجود است.

### ۱. پیشینه تحقیق:

شیری (۱۴۰۲) در مقاله خود با عنوان «جرم دولتی در جرایم علیه محیط زیست» بر این باور است که جرم دولتی زیست‌محیطی، مشتمل بر سیاست‌ها، رویه‌های عملی و اقدامات دولت‌ها با اتکا به قانون در ایجاد آسیب‌های عمده به محیط زیست است. نویسنده در این مقاله مفهوم جرم دولتی را با توجه به مباحث زیست‌محیطی (آسیب‌شناسی اجتماعی) مورد بررسی قرار داده است و سپس مفهوم جرم دولتی به‌ویژه در جرم‌شناسی سبز با تمرکز بر ساختار قدرت را تحلیل کرده است.

شریفی (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «نقدی بر رویکرد قانون‌گذار ایران در قبال بزه‌کاری سبز» با تأکید بر اصل پنجاهم قانون اساسی و ضمن برشمردن برخی از کیفرگذاری‌ها همچون در افساد فی‌الارض پنداشتن پخش گسترده‌ی مواد سمی و میکروبی خطرناک توسط ماده‌ی (۲۸۶) قانون مجازات اسلامی، به این نتیجه رسیده است که هم‌چنان نقص‌هایی متوجه سیاست کیفری کنونی ایران است که از جمله‌ی آن‌ها، عدم جرم‌انگاری برخی رفتارهای تهدیدکننده محیط زیست، تحدید اختیارات سازمان‌های مردم‌نهاد در تعقیب متخلفان این حیطه، عدم مسؤلیت کیفری دولت در تعرض به پدیده‌ی مزبور و نابازدارندگی جزای نقدی اغلب بزه‌های سبز است.

فقیه حبیبی (۱۴۰۱) در مقاله خود با عنوان «تحول جرایم زیست‌محیطی در پرتو تکوین قواعد بین‌المللی زیست‌محیطی» جرایم زیست‌محیطی و عملکرد نظام کیفری در رویارویی با این جرایم در حقوق بین‌الملل و داخلی مورد بررسی قرار داده است. در نهایت به این نتیجه می‌رسد گسترش همکاری‌ها و تعاملات بین دولت‌ها در عرصه‌ی بین‌المللی و نیز ایجاد قواعد آمره و بنیادین با برخورداری از مشروعیت لازم، در قالب ساختار اساسی مستقل و تخصصی در این زمینه می‌تواند اقدام موثری در جهت حصول به اهداف کامل این حوزه باشد.

حاجی‌وند و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله خود با عنوان «مسئولیت کیفری دولت در قبال جرایم زیست‌محیطی در ایران: ضرورت‌ها و چالش‌ها» به این نتیجه رسیده‌اند که با توجه به اینکه دولت مهم‌ترین شخص حقوقی است و آلوده کردن محیط زیست از سوی دولت باعث تضعیف حاکمیت می‌شود، بنا بر ادله عقلی و قانونی موجود از جمله قانون مدیریت خدمات کشوری ۱۳۸۶ که در بند ط ماده ۸ این قانون، حفظ محیط زیست از موارد اعمال

حاکمیتی است، اصل مساوات و برابری همگان در برابر قانون اساسی ایجاب می‌کند که دولت نیز دارای مسوولیت کیفری باشد البته با مجازات‌های بازدارنده مناسب برای دولت که باعث تضعیف حاکمیت و خلل در امر حاکمیت نشود.

امعان نظر در تحقیقات تألیف شده در این زمینه نشان می‌دهد که تاکنون هیچ تحقیق مجزایی پیرامون نقش و مسوولیت دولت در تأمین توسعه پایداری که مبتنی بر حفاظت از محیط زیست سالم برای تمام نسل‌ها، با رویکرد جرم‌شناسی سبز باشد، انجام نگرفته است. بنابراین، هدف از این پژوهش، بررسی و تحلیل نقش دولت ایران در تأمین توسعه پایدار با در نظر گرفتن مسائل محیط‌زیستی و جرائم قانونی تحطی از نادیده گرفتن چنین نگرشی در سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌ها خود می‌باشد.

## ۲. چارچوب مفهومی: حرکت از توسعه رشد محور به توسعه پایدار

نخستین نظریه‌های توسعه با هدف قرار دادن «اندیشه اقتصادی» در پارادایم توسعه از طریق افزایش میزان تولید ناخالص ملی ارائه گردیدند و گمان می‌شد که افزایش تولید ناخالص ملی منجر به توسعه خواهد شد (دیوب، ۱۳۷۷: ۶۸). به موازات طرح این نظریه‌ها در عرصه عمل نیز موضوع توسعه با فراز و فرودها و تحولات مفهومی همراه شده است. ابتدا واژه رشد به معنای افزایش تولید ناخالص ملی مدنظر قرار گرفت؛ اما عملاً معلوم گردید که رشد اقتصادی و عقلانیت ابزاری لزوماً رشد فرهنگی، سیاسی، و اجتماعی را به ارمغان نخواهد آورد. این نقصان زمینه تحول و تکامل رشد اقتصادی به توسعه را فراهم آورد و جنبه‌های مختلف زندگی انسانی از جمله حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را مدنظر قرار داد (سن، ۱۳۸۶: ۱۶۶-۱۶۰). متعاقباً معلوم شد که چه بسا یک واحد سیاسی به توسعه دست یابد؛ اما به دلیل استفاده غیربهبینه از منابع موجود و عدم توجه به جنبه‌های زیست محیطی، تداوم توسعه محل تردید جدی باشد، لذا مفهوم «توسعه پایدار» جایگزین توسعه شد. توسعه پایدار مفهومی برآمده از دل توسعه و در حقیقت تغییر الگوی توسعه با توجه به مفهوم «پایداری» است. سازمان ملل متحد و دیگر نهادها و سازمان‌های وابسته به آن طی دهه‌های گذشته در شکل‌گیری و گسترش مفهوم توسعه پایدار و الزام دولت‌ها به لحاظ کردن آن در سیاست‌های توسعه‌ای خود، نقش مهمی ایفا کرده است. در واقع، توسعه پایدار پذیرش و مقبولیت جهانی خود را تا حد زیادی مرهون تلاش‌هایی است که در سازمان ملل متحد برای شناسایی و پیش‌برد این مفهوم به عمل آورده است. در

طول دهه ۱۹۶۰م. در کنفرانس‌های مختلف بین‌المللی مانند «کنفرانس زیست کره»<sup>۱</sup> سازمان یونسکو در پاریس در سال ۱۹۶۸ و «کنفرانس ابعاد بوم‌شناختی توسعه بین‌المللی»<sup>۲</sup> در واشنگتن در سال ۱۹۶۸ بر اهمیت توجه به پایداری محیط زیست ضمن توسعه اقتصادی تأکید شده بود (Barrow, 1995: 369).

سازمان ملل متحد نقش مهمی در حرکت به سوی توسعه پایدار داشته است. یکی از گام‌های مهم در این زمینه، برگزاری «کنفرانس محیط‌زیست انسان» در شهر استکهلم از تاریخ ۵ تا ۱۶ ژوئن ۱۹۷۲ است. حاصل کار این کنفرانس، اعلامیه‌ای درباره «اصول حفاظت محیط‌زیست انسانی» و یک «برنامه عمل» شامل ۱۰۹ توصیه سیاست‌گذارانه به دولت‌ها برای اقدامات زیست‌محیطی بود (Handl, 2012: 1-3). این اولین برنامه عمل جهانی در مورد محیط‌زیست و مقدمه‌ای بر طرح توسعه پایدار بود. در این اعلامیه متذکر می‌شود که مبنا و پایه «محیط‌زیست سالم» برای بهره‌مندی و اعمال حقوق بشر ضروری می‌باشد (Shelton, 2006: 130-135). در این اعلامیه برای اولین بار به رابطه میان محیط‌زیست و توسعه اشاره شد. در اینجا، به مسأله کاهش فقر در کشورهای در حال توسعه به عنوان پیش‌شرط حفاظت از محیط‌زیست اشاره شده است.

پس از آن، کنفرانس ریو ۱۹۹۲، معروف به «کنفرانس زمین»، فعالیت‌های بیست‌ساله بین‌المللی و ملی را در زمینه‌های زیست‌محیطی ارزیابی کرد. یکی از مهم‌ترین نتایج این کنفرانس، ارائه نظریه «توسعه پایدار» بود (زیاری، ۱۳۸۰: ۳۷۴-۳۷۳). بر اساس تعریف اعلامیه ریو، «انسان محور توجهات توسعه پایدار است و انسان‌ها مستحق برخورداری از یک زندگی سالم و مولد در همساز با طبیعت هستند» (Kirkpatrick, 2001: 7). بر اساس اعلامیه ریو، که مشتمل بر ۲۷ اصل بود، به حق بر توسعه پایدار و حق بر محیط زیست تأکید و تصریح شده است که برای رسیدن به توسعه پایدار باید حمایت محیط‌زیست بخشی جدایی‌ناپذیر از فرایند توسعه را تشکیل دهد (جهانی‌پور و توحید، ۱۴۰۰: ۶۴۴). بر اساس آنچه در اعلامیه ریو به آن تأکید شده بود، توسعه باید به نوعی باشد که نیازهای نسل حاضر را برآورده سازد بدون آنکه توانایی نسل‌های آینده را در برآورده ساختن نیازهایشان به خطر اندازد. به عبارت دیگر، توسعه مدنظر باید متضمن این باشد که استفاده از منابع و محیط‌زیست در زمان حال هیچ آسیبی به دورنمای استفاده نسل‌های آینده وارد نخواهد ساخت.

1. Biosphere Conference

2. Conference on Ecological Dimensions of International Development

آموزه توسعه پایدار، رویکردی تلفیقی یا دورگه است که کوشش کرد رشد اقتصادی را با اندیشه محافظت از محیط زیست سالم ترکیب کند. آموزه‌ای که رنه دوپو آن را «رابطه متقابل انسان و زمین» به شمار آورده و آن را دو مبارزه همزمان تلقی کرده است: «۱. مبارزه با آنان که بر اساس سنت کلاسیک، توسعه را بدون توجه به بوم‌مداری دنبال می‌کردند؛ ۲. مبارزه با کسانی که بر اساس دیدگاه محافظه کارانه، هرگونه دخل و تصرف در طبیعت را ممنوع می‌دانند» (نصیری، ۱۳۷۹: ۱۴۳). در این گفتمان جدید، این باور سبز شکل گرفت که «حفاظت محیط زیست، جزء لاینفک فرایند توسعه است (محمودی، ۱۳۸۸: ۱۹). در حقیقت مهم‌ترین هدف در این نام‌گذاری، طرح الگویی برای توسعه بود که برای محیط زیست جهانی، زیان‌آور نباشد.

به عبارتی توسعه پایدار تعادل میان جنبه‌های انسان‌محوری<sup>۱</sup> و زیست‌محوری<sup>۲</sup> است. جنبه آنتروپوسنتریسم یک جنبه انسان‌محور است که بر برتری بیولوژیکی، ذهنی و معنوی انسان بر سایر موجودات زنده و غیرزنده تأکید می‌کند. بری طرفداران انسان‌محوری، طبیعت غیرانسانی به شکل ابزاری دیده می‌شود. یعنی به عنوان چیزی که به نحوی تخصیص، فرآوری، مصرف و تنظیم می‌شود که بهترین تناسب را با نیازهای انسان در زمان حال داشته باشد (White & Heckenberg, 2014:65). بنابراین، در این نگرش از محیط زیست به این دلیل که برای انسان سودمند است باید محافظت شود نه به این دلیل که خود ارزشی ذاتی داشته باشد. در مقابل، جنبه‌های زیست‌محوری انسان را یک گونه ساده مانند دیگر گونه‌ها می‌بیند که ارزش معنوی یکسانی به آن نسبت به موجوداتی مانند پرندگان، آبزبان و حیوانات وحشی داده می‌شود. طرفداران زیست‌محوری گونه‌های غیرانسانی را دارای ارزش ذاتی می‌دانند که این یعنی آن‌ها دارای ارزش معنوی هستند و فارغ از این که انسان‌ها چگونه درباره آن‌ها می‌اندیشند (Halsey & White, 1998:353). توسعه پایدار تلاش می‌کند، میان دو جنبه انسانی و زیستی حیات نوعی ارتباط متقابل و تعامل برقرار سازد. مفهوم توسعه نیز گویای پایداری ثبات محیط زیست است. به عبارت دیگر، توسعه پایدار درصدد سازماندهی و ایجاد ارتباط متقابل میان سه محور فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی است تا از این رهگذر، این سه حوزه مستقل را که در نتیجه بی-توجهی به یکدیگر، موجب تخریب گسترده محیط زیست جهان در دوران پس از انقلاب صنعتی گردید، به یکدیگر و حول محوری مشترک سازماندهی نمایند.

<sup>1</sup> Anthropocentrism

<sup>2</sup> Biocentrism

## ۱-۲ توسعه پایدار: محافظت همگام از بشریت و محیط زیست

نخستین بار «گرو براندت لند» نخست وزیر نروژ، در سال ۱۹۸۷ به طور رسمی مفهوم توسعه پایدار را در گزارش «آینده مشترک ما» مطرح ساخت و آن را توسعه‌ای خواند که آینده را با خطر مواجه نکند (Henry, 2001: 25). بر این اساس «کمیسیون جهانی توسعه و محیط زیست» در سال ۱۹۸۷ میلادی عنوان داشت: «توسعه‌ای پایدار است که بتواند احتیاجات نسل کنونی را بدون تخریب توانایی‌های نسل‌های آینده برای برآورده ساختن نیازمندی‌های آنان تامین کند» (Dalal-Clayton & Bass, 2002, 18). با این وجود، باید توجه داشته باشیم که توسعه پایدار، مفهومی پیچیده و چندوجهی است (Elliot, 2006: 10)، که تعریفی جامع و مانع درباره آن وجود ندارد. هرچند می‌توان مدعی شد، توسعه پایدار «قاعده‌ای میانجی است که تطابق میان قواعد متعارض محیط زیستی، اقتصادی و اجتماعی را تأمین می‌کند (شمسایی، ۱۳۸۵: ۱۱). همان گونه که اشاره شد، توسعه پایدار که به طور مکرر در اسناد بین‌المللی منعکس شده است تجلی التفات به خواسته‌ها و نیازهای نسل‌های آینده نیز می‌باشد (Weiss, 2015: 198). توسعه پایدار، نشان‌دهنده ترکیب و ادغام دلواپسی‌های زیست محیطی و اجتماعی در کلیه بخش‌های اقتصادی است. توسعه نمی‌تواند نیازهای نسل‌های آینده را نادیده بگیرد. عنصر زمان در ذات مفهوم توسعه پایدار نهفته است؛ نیازها و منافع نسل‌های آتی از نظر محیط زیست سالم، اقلیم، منابع طبیعی و تنوع زیستی باید در فرایند توسعه لحاظ شود.

به هر حال، «توسعه پایدار» نگرشی جدید به مقوله «توسعه» است که هدف آن دستیابی به رفاه و آسایش انسان با در نظر گرفتن محدودیت‌ها و چالش‌هایی است که روند توسعه را برای دستیابی به این هدف تهدید می‌نماید. در واقع، توسعه پایدار، مولود نقد همه‌جانبه توسعه است، نقدهایی که از همه جنبه‌ها و طرف‌های گوناگون صورت پذیرفت اما دو جنبه عمده در آن پررنگ بود: نخست، نقد توسعه از منظر رفاه؛ و دیگری نقد توسعه از منظر مسائل زیست محیطی. توسعه پایدار مفهوم جامعی است که همه جنبه‌های زندگی بشر را در برمی‌گیرد (افراز، ۱۳۷۵: ۱۵-۱۴). همان گونه که در ماده ۴ اعلامیه ریو آمده است: «به منظور دستیابی به توسعه پایدار، حفاظت از محیط زیست جزء لاینفک توسعه خواهد بود و نمی‌تواند مجزا از آن تلقی شود». باید نوعی همبستگی میان جنبه‌های سه‌گانه توسعه پایدار برقرار باشد (Pearce, 2012: 4). بر اساس چنین نگرشی، توسعه پایدار بدون لحاظ کردن جنبه‌های زیست محیطی و انعکاس آن در برنامه‌های توسعه امکان‌پذیر نخواهد بود.

1. Gro Brandt Land

2. Sustainable Development

بدین سان، توسعه پایدار بر اساس سه وجه محیط‌زیستی، اقتصادی و اجتماعی شناخته می‌شد (Colantonio, 2007: 3-4). پژوهشگران بر این نکته تأکید می‌کنند که در فرایند توسعه پایدار، جدایی کامل سه بُعد محیط‌زیست، اقتصادی و اجتماعی و عدم برقراری ارتباط منطقی میان آنها به معنای دور شدن از مفهوم توسعه پایدار است (Thatcher, 2014: 23). از این دیدگاه، جامعه بشری بخشی از محیط‌زیست به شمار می‌آید و از این حیث، نمی‌توان جامعه و محیط‌زیست را مستقل از هم دانست (Costanza et. al, 1993: 156). غالباً منابعی که انسان از آن برخوردار می‌گردد به صورت خدمات اکوسیستمی از طبیعت تأمین می‌گردد (مقیم، ۱۴۰۲: ۷۸). بر این اساس، تفکیک دو موضوع توسعه انسانی و توسعه محیط‌زیستی در عمل غیرممکن است. برای نمونه، افزایش سطح اراضی کشاورزی همواره با تخریب محیط‌زیست همراه خواهد بود و این امر به نوبه خود دسترسی به منابع غذایی، چوب، دارو و ... از بین می‌برد (Thakshila, 2019: 148).

بنابراین، عمده نگرش توسعه پایدار تنظیم سیاست‌های زیست‌محیطی است و تصویب چندین کنوانسیون نظیر کنوانسیون تنوع زیست‌محیطی و کنوانسیون چارچوب ملل متحد در مورد تغییرات آب و هوایی دلالت بر تأکید این مفهوم دارد. هدف از هماهنگ‌سازی توسعه پایدار و توسعه پیشگیری از بیماری و فقدان سلامت، تشدید محرومیت، شکاف روبه افزایش میان کشورهای فقیر و غنی و نابودی پیوسته اکوسیستم‌ها می‌باشد. توسعه پایدار بر اساس درک محیط‌زیستی پدید آمده که بر چند رکن اساسی استوار است و از آنها تحت عنوان شاخص‌های توسعه پایدار یاد می‌شود که عبارتند از:

– **درک ارزش محیط‌زیست:** شناسایی سرمایه‌های زیست‌محیطی به عنوان ثروت ملی که ارزش‌های مادی و معنوی آن‌ها همواره با سرمایه‌های انسانی مشخص می‌شوند؛

– **تضمین پایداری:** تضمین استمرار بهره‌برداری از منابع و حفظ محیط‌زیست؛  
– **تعادل توسعه:** توجه به توازن وجوه مکانی، زمانی و اجتماعی به طوری که نسل‌های امروز و فردا، مناطق دارا یا فاقد منابع طبیعی و نهایتاً کلیه گروه‌های جامعه را به صورت متعادل در برگیرد؛

– **برابری درون و بین نسلی:** نسل امروز نباید هزینه زندگی خود را بر آیندگان تحمیل کند، بلکه هم نسل‌های امروز و فردا و هم اعضای نسل امروز همه باید به صورت برابر از حق بهره‌مندی و کاربر منابع زیست‌محیطی برخوردار شوند؛

– **کارآیی:** در برابر هر نهاده، میزان ستانده‌ای متناسب و دارای منطقی اقتصادی به وجود آید (جمال‌زاده فلاح، ۱۳۷۸: ۱۰۷-۱۰۶).



به طور کلی، می‌توان گفت جهت دستیابی به توسعه پایدار، فرایند توسعه باید نگهداری و حفاظت از محیط زیست را تضمین کرده و به آن پایبند باشد. دولت‌ها در سیاست-گذاری‌های توسعه‌ای خود به تمام جنبه‌های آن باید توجه و دقت داشته باشد. مفهوم توسعه پایدار به نوعی از توسعه اشاره دارد که خواسته‌ها و نیازهای مربوط به توسعه و محیط-زیست نسل‌های حال و آینده را بدون به خطر انداختن توانایی نسل‌های آینده در برآورده ساختن نیازهایشان تأمین کند.

این نوع نگرش به توسعه پایدار، عناصر مختلف شکلی و ماهوی را به عنوان مؤلفه‌های حقوقی مورد شناسایی قرار می‌دهد که ارتباط نزدیکی با هم داشته و غالباً به طور ترکیبی و گاه به جای یکدیگر به کار می‌روند و بیانگر این مسأله هستند که دارای وضعیت و تعریف حقوق مشخص و مورد توافقی نیستند (مسعودی، ۱۳۹۴: ۱۳۲). عناصر مهم این مفهوم عبارتند از: حق توسعه برای نسل حاضر، تأمین نیازها، منافع و رعایت توانمندی نسل‌های آینده؛ بهره‌برداری از محیط‌زیست و منابع طبیعی با حفظ حقوق نسل‌های حاضر و آینده؛ «انصاف بین نسلی» ضرورت حفاظت از «حق برخورداری بشر از محیط‌زیست سالم» می-باشد. با این وجود، توسعه پایدار و محیط زیست سالم، همواره در معرض تهدیدهای جدی قرار داشته است که به نوعی حیات بشری را به شدت تهدید می‌کند. به این دلیل، چه در حقوق بین‌الملل و چه در حقوق داخلی علیه این منابع تهدیدکننده توسعه پایدار «جرم-انگاری» صورت گرفته است.

## ۲-۲ جرم‌شناسی سبز؛ محور تحلیل جرایم زیست‌محیطی

مباحث زیست‌محیطی و بحران‌های ناشی از آلودگی آن، مسئله‌ای می‌باشد که همه جهانیان را به فکر واداشته است. زیرا محیط زیست، رابطه‌ای بسیار نزدیک با زندگی و سلامت انسان‌ها داشته و آلودگی آن حیات همه جانوران را تهدید خواهد کرد تا بدانجا که بسیاری از انواع بیماری‌های جسمی و روانی به بویژه در شهرهای بزرگ ناشی از همین آلودگی‌ها بوده و انسان‌ها و دیگر موجودات زنده در معرض خطر مرگ تدریجی قرار گرفته‌اند.

جهان ما در حال تجربه بحران‌هایی جدید است که از آن‌ها با عنوان «بحران‌های محیط-زیستی / اکولوژیکی» یاد می‌شود. شدت و گستردگی این بحران‌ها به اندازه‌ای است که بقای تمام ساکنان زمین را در معرض خطر قرار داده و نه تنها توسعه پایدار، که صلح و امنیت بین‌المللی را نیز به شدت تهدید می‌کند. آنچه بر حساسیت و اهمیت این بحران می-افزاید، ماهیت رو به افزایش و پیش‌رونده آن است؛ به گونه‌ای که هیچ‌امیدی به کنترل آن نیست. این ناامیدی با بروز بحران‌های «اقليمی» بیشتر شده است (کلاین، ۱۳۹۷: ۷۵). با این وجود، یکی از نکات مثبت دهه‌های اخیر این است که در نتیجه رشد آگاهی و اندیشه

اکولوژیکی افراد، «محیط زیست» جایگاه و ارزش واقعی خود را در دنیای جدید پیدا کرده است، تا جایی که حق برخورداری از محیط زیست سالم به عنوان یکی از مصادیق نسل سوم حقوق بشر به شمار می آید. علاوه بر این، جوامع بشری در حال شناسایی «حقوق طبیعت» و محیط زیست است و این به معنای آن است که تحولات محیط زیستی مثبت دهه‌های اخیر باعث شده تا افراد بشر به مبارزه با رخدادهای منفی و به ویژه جنایت بوم-کشی یا اکوساید Ecocide برخیزد. اکوساید را می‌توان به طبیعت‌کشی، طبیعت‌زدایی، زیست‌بوم‌کشی، محیط‌زیست‌کشی، محیط‌زیست‌زدایی، بوم‌کشی و بوم‌زدایی ترجمه کرد (قلی‌پور و مهرا، ۱۳۹۹: ۴۶). افزایش کمی و تشدید کیفی بحران‌های اکولوژیکی در دهه‌های اخیر و خصوصاً گسترش بحران تغییرات اقلیمی باعث شده است تا مفهوم اکوساید در کانون توجه محافل حقوقی قرار گرفته و طرح‌های حقوقی متعددی جهت جرم‌انگاری آن در سطوح بین‌المللی، منطقه‌ای، ملی و محلی ارائه شود. تا بدانجا که امروزه از جرم‌انگاری اکوساید یا جرم‌شناسی سبز و یا جرم‌شناسی زیست‌محیطی سخن به میان آمده است.

اکوساید، مهم‌ترین منبع تهدیدکننده توسعه پایدار جوامع بشری است. زیرا، اکوساید منابع توسعه پایدار یعنی آب‌ها، خاک، کوه‌ها، معادن، جنگل‌ها، کشتزارها، حیوانات و ... را از بین می‌برد و این نابودی منابع طبیعی و محیط‌زیستی جوامع بشر را با بحران‌های اقتصادی شدیدی چون قحطی، تورم، رکود، تعطیلی صنایع، افت تولیدات کشاورزی، بحران انرژی، بیکاری گسترده و فقر و محرومیت مواجه می‌سازد. بر این اساس، تا زمانی که اکوساید به اشکال مختلف آن رخ می‌دهد، توسعه پایدار نیز بی‌معنا خواهد بود. به این دلیل، توجه و اهمیت دادن به جرم‌شناسی محیط‌زیستی یا جرم‌شناسی سبز در مسیر توسعه پایدار کشورها بسیار حایز اهمیت خواهد بود.

بنابراین، در دهه‌های اخیر، جرم‌شناسی در بخشی از مطالعات خود بر مسأله محیط‌زیست متمرکز شده است و در شاخه‌ای نوین با عنوان جرم‌شناسی سبز به این مقوله پرداخته است. از دیدگاه جرم‌شناسی سبز، بسیاری از شاخص‌ها و منابعی که در گذشته برای جرم‌انگاری آسیب‌های زیست‌محیطی به کار گرفته شده است توانایی حمایت از ارزش‌های اساسی محیط‌زیست را ندارند؛ از این رو، شاهد وقوع روبه‌رشد آسیب‌های زیست‌محیطی می‌باشیم. آسیب‌های زیست‌محیطی جلوه‌های بارز خود را در جزائم زیست‌محیطی می‌یابند و دایره شمول جرائم زیست‌محیطی که هرگونه فعل زیان‌بار به محیط‌زیست را فرا می‌گیرد، ماهیت متفاوتی در مقایسه با جرائم دیگر دارد و به واسطه ماهیت پیچیده و چندبعدی خود شناخت آن نیز مشکل است (بریسمن و ساوث، ۱۳۹۸: ۶۷).

این پیچیدگی تا جایی است که جرم‌شناسان را به ایجاد شاخه مطالعاتی جدید با عنوان جرم‌شناسی سبز یا جرم‌شناسی زیست‌محیطی رهنمون ساخته است. گرایشی که عمری کمتر

از سه دهه دارد. به طور کلی، جرم‌شناسی سبز مایل به پژوهش در مورد شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است که منجر به جرائم زیست‌محیطی می‌شود. در سطحی فلسفی جرم‌شناسی سبز مرتبط با انواع آسیب‌هایی است که باید به عنوان جرم مطرح شود و موضع جرم‌شناسی قرار گیرند (Potter, 2010, 8-9). به تعبیر «راب وایت»، جرم‌شناسی سبز یا محیط‌زیستی به طور کلی، به مطالعه آسیب‌های زیست‌محیطی، حقوق محیط‌زیست و قواعد زیست‌محیطی اشاره دارد (White, 2008: 6). در تعریف دیگر «جرم‌شناسی سبز» که به عنوان جرم‌شناسی زیست‌محیطی نیز شناخته می‌شود نشان‌دهنده شاخه‌ای از جرم‌شناسی است که در مورد جرم‌انگاری آسیب‌های زیست‌محیطی و پدیده‌های مربوط به آن مطالعه می‌نماید» (Eman et. al, 2009: 577). جرم‌شناسی سبز، غالباً ادغام‌کننده تفکر تحلیلی و توانایی عمل به این تفکر است و درصدد است که با استفاده از رویکرد عدالت زیست-محیطی و عدالت اکولوژیکی به تبیین آسیب‌های محیط‌زیستی، حقوق حیوانات و عموماً حفاظت از زیست کره پردازد (White, 2008: 8).

مطالعه جرم‌شناسی سبز روی علل آسیب و جرم زیست‌محیطی عبارت است از تخطی از قانون زیست‌محیطی موجود (مدنی، جزایی، نظارتی) که برای حفظ سلامتی، ایمنی و بقای انسان‌ها، منابع طبیعی و اکوسیستم‌ها تنظیم شده است. این به عنوان روش آیین‌نامه‌ای قانونی شناخته می‌شود و می‌تواند دربردارنده موضوع تخلفات از قانون هوای پاک، قانون آب پاک یا قانون گونه‌های در خطر انقراض باشد (Brisman & South, 2019: 123). بنابراین، جرم‌شناسی سبز به مطالعه جرائم و آسیب‌های زیست‌محیطی اطلاق می‌شود که روی زندگی انسان‌ها و دیگر موجودات زنده و غیرزنده، اکوسیستم‌ها و بیوسفر (زیست کره) تأثیر می‌گذارد. جرم‌شناسی سبز، به طور خاص این موارد را مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد: علل، پیامدها و شیوع آسیب و جرم زیست‌محیطی، پاسخ‌ها و پیشگیری از آسیب و جرم زیست‌محیطی توسط سیستم قضایی (مدنی، جزایی، نظارتی) و به وسیله جنبش‌های اجتماعی و قسمت‌های غیردولتی و همچنین شکایت‌های با واسطه و غیرمستقیم از آسیب و جرم زیست‌محیطی. هرچند، سختی کار آنجا نمایان می‌شود که عمده جرایم محیط‌زیستی از سوی شرکت‌های و نمایندگان آنها و به ویژه از طرف دولت‌ها رخ می‌دهند که برخورد و پیشگیری از آن نیازمند یک اهتمام جهانی است.

### ۳. ایران و حق توسعه پایدار در برخورداری از محیط زیست سالم

با توضیحاتی که در تبیین مفهوم توسعه پایدار ارائه شد، مشخص می‌شود که از یک سو، در فضای پس از جنگ دوم جهانی، حق بر توسعه به عنوان یک حق مسلم بشری مطرح شد و از سوی دیگر، چالش‌های محیط‌زیستی ناشی از توسعه اقتصادی نامتوازن و افسارگسیخته منجر به شکل‌گیری و تأکید بر حق بهره‌مندی از محیط زیست سالم شد.

روح اصول توسعه پایدار این است که چنانچه توسعه موجب آسیب قابل توجه به محیط زیست یا محیط زیست زدایی گردد، دولت‌ها مکلف‌اند با وضع قوانین و مقررات مقتضی به این جرائم سبز یا زیست محیطی رسیدگی نموده و مانع از آسیب‌های جدی به زیست بوم جهانی بشر شوند. جمهوری اسلامی ایران نیز در این زمینه، علاوه بر الزام‌ها و تعهدات بین‌المللی برخی قوانین و مقررات داخلی را در به رسمیت شناختن اصول توسعه پایدار و حق برخورداری از محیط زیست سالم وضع نموده و حتی مصادیقی از جرائم زیست محیطی را نیز در چارچوب قانون طراحی و اجرا نموده است که در ادامه به آن پراخته می‌شود.

### ۳-۱ دولت ایران و توسعه پایدار زیست محیطی: تضمین محیط زیست سالم

با توجه به مقدمات فوق، نگرش حقوقی ایران در زمینه توسعه پایدار، پذیرش این نهاد و نتایج آن بوده است. توسعه پایدار در حقوق ایران، غالباً به تبعیت از قوانین و مقررات بین‌المللی مربوط و تعهدات ناشی از کنوانسیون‌های زیست محیطی و توجه ویژه سازمان حفاظت محیط زیست به بیانیه‌های استکهلم، ریو و ژوهانسبورگ به صورت صریح و ضمنی مورد پذیرش دولت و قانونگذاران جمهوری اسلامی قرار گرفته و به صورت نسبی نیز در قوانین انعکاس یافته است. مهم‌ترین سند بالادستی که به طور صریح توسعه پایدار را با رویکرد حفاظت از محیط زیست در جمهوری اسلامی ایران نهادینه کرده است، قانون اساسی است. برای مثال در اصل ۵۰ قانون اساسی تصریح شده است:

در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد» و علاوه بر این، هرگونه «فعالیت اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه داشته پیدا کند، ممنوع است» (معاونت حقوقی ریاست جمهوری، ۱۳۹۵: ۵۷).

نکته مهم در اصل پنجاه قانون اساسی این است که برخورداری از محیط زیست سالم لازمه حیات متعالی بشر به شمار آورده شده که هم نسل امروز و هم نسل‌های آینده باید «در آن حیات اجتماعی روبه‌رشدی» داشته باشند. بر اساس چنین برداشتی، حفظ محیط زیست مقدم بر بحث توسعه و ضروری حیات متعالی بشری است. بنابراین، در قوانین عادی (مانند تبصره ماده ۱۷ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست) نیز تصریح شده است که در صورت تداخل و بروز اختلاف میان حفاظت از محیط زیست و مباحث توسعه، اصل بر حفظ محیط زیست خواهد بود که مراجع حل اختلاف باید به آن توجه داشته باشند (رمضانی قوام‌آبادی و شفیق‌فرد، ۱۳۹۵: ۲۶۳).

ممنوعیت فعالیت‌های اقتصادی که مستلزم تخریب یا آلودگی محیط زیست باشد و همچنین توجه به حقوق نسل‌های آتی در ارتباط با محیط زیست از عناصر کلیدی مفهوم توسعه پایدار است که در این اصل مورد اشاره قرار گرفته و دولت را موظف به رعایت آن

نموده است. اما، اصل مذکور، حفاظت از محیط‌زیست را به مثابه یک وظیفه عمومی به شمار می‌آورد که حاکی از التفات قانونگذار به محیط‌زیست سالم است. اما باید توجه داشت که جرائم زیست‌محیطی و اکوساید معمولاً توسط دولت‌ها و شرکت‌های بزرگ به وقوع می‌پیوندد و «عموم» مردم منابع لازم برای مقابله با مرتکبان مذکور را ندارند. این اصل ملاک ممنوعیت را ورود «آلودگی یا تخریب غیرقابل جبران» اعلام کرده است. بنابراین، حتی در صورت گسترده نبودن آلودگی یا تخریب، باز هم آن را ممنوع دانسته است. از این جهت، چنین جرم‌انگاری‌ای هم شامل جرایم زیست‌محیطی خرد و هم دربرگیرنده جرایم سبز کلان مانند اکوساید می‌شود. حفاظت از محیط‌زیست به عنوان یکی از ارکان توسعه پایدار کشور، در بند (د) سیاست‌های کلی نظام در دوره چشم‌انداز تحت عنوان «آمایش سرزمین، امور زیست‌محیطی و توسعه پایدار» مورد تأکید دوباره قرار گرفته و دو بند مهم دائر بر شناسایی صریح توسعه پایدار و ارکان سه‌گانه آن آمده است: بند ۴۳: پایدارسازی فرایند توسعه با تکیه بر حفاظت از محیط‌زیست و بهره‌برداری بهینه از منابع. همچنین، بند ۴۴: تحقق توسعه پایدار، مبتنی بر دانایی در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و زیست‌محیطی کشور، به نحوی که ضمن ارتقای کیفیت زندگی، حقوق نسل‌های کنونی و آینده نیز محفوظ بماند» (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۲).

این تأکید و تصریح قانونی و نهادی بر شناسایی حق توسعه پایدار با تأکید بر حق برخورداری از محیط‌زیست سالم، ایمن و زیبا، نشان از اراده جمهوری اسلامی در تأمین توسعه پایدار به مثابه یکی از حقوق ذاتی بشر است.

ماده ۶۵ سیاست‌های کلی نظام در دوره چشم‌انداز مصوب سال ۱۳۸۲، توسعه پایدار را به صورت تخصصی‌تر و در حوزه بوم‌شناختی مطرح نموده و تصریح می‌دارد: «دولت موظف است نسبت به تدوین اصول پایدار بوم‌شناختی، به ویژه در الگوهای تولید و مصرف و دستورالعمل‌های بهینه‌سازی مربوطه اقدام نماید. دستگاه‌های مرتبط موظف به رعایت اصول و دستورالعمل‌های مذکور در طرح‌ها و برنامه‌های اجرایی خود می‌باشند» (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۲). این نگرش در حوزه‌های محیط‌زیست دریایی و دیگر بخش‌های مربوط به آن نیز تا ماده ۷۱ این قانون تکرار شده است.

در قوانین توسعه پنج‌ساله کشور نیز به تواتر مواد مختلفی به اصول و ارکان توسعه پایدار و حفاظت از محیط‌زیست اختصاص یافته است. به طور مثال، در برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه (مصوب ۱۵ دی ۱۳۸۹)، ذیل ماده ۱۸۰ به موضوعات مرتبط با توسعه پایدار مطرح گردیده است. در ماده ۱۸۴ این قانون آمده است «به منظور تحقق اهداف مندرج در اصل ۵۰ قانون اساسی، نظام ارزیابی راهبردی محیطی در سطوح ملی، منطقه‌ای و موضوعی

پیش‌بینی شود» (معاونت حقوقی ریاست جمهوری، بی‌تا)، که در حقیقت رعایت توسعه پایدار و به ویژه وجه محیط‌زیستی آن را مد نظر قرار داده است.

در ماده ۱۰۴ قانون برنامه سوم توسعه نیز بر رعایت اصول توسعه پایدار تأکید و تصریح شده است: «به منظور حفاظت از محیط‌زیست و بهره‌گیری پایدار از منابع طبیعی کشور، اجرای موارد زیر الزامی است: الف. بهره‌برداری از منابع طبیعی کشور باید بر اساس توان بالقوه منابع صورت گیرد. ...». همچنین ماده ۵۹ قانون برنامه چهارم مقرر نموده است: «سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور مکلف است با همکاری سازمان حفاظت محیط‌زیست و سایر دستگاه‌های مرتبط به منظور برآورد ارزش‌های اقتصادی منابع طبیعی و زیست‌محیطی و هزینه‌های ناشی از آلودگی و تخریب محیط‌زیست در فرایند توسعه و محاسبه آن در حساب‌های ملی، نسبت به تنظیم دستورالعمل‌های محاسبه ارزش‌ها و هزینه‌های موارد دارای اولویت از قبیل؛ جنگل، آب، خاک، انرژی، تنوع زیستی و آلودگی‌های زیست‌محیطی در نقاط حساس اقدام و در مراجع ذی‌ربط به تصویب برساند. ...». بنابراین، در نظام حقوقی ایران به موازات الزامات و تعهدات بین‌المللی در زمینه توسعه پایدار و حفاظت از محیط‌زیست، قوانین و مقررات فراوانی به تصویب رسیده و بر نقش و مسئولیت دولت در این زمینه تأکید کرده است. برای پیشگیری از آسیب‌های زیست‌محیطی جبران‌ناپذیر در ایران، از گذشته تا به امروز مقررات و دستورالعمل‌های قانونی زیادی به تصویب رسیده و اجرایی شده است که در ادامه به بخشی از آن‌ها اشاره خواهد شد.

## ۲-۳ جرم‌انگاری جرائم سبز در قوانین ایران

به لحاظ تاریخی، نخستین قوانین و مقررات مرتبط با حفظ محیط‌زیست سالم و ایمن و جرائم زیست‌محیطی را می‌توان در مواد مربوط به «صید و شکار» در قانون مدنی ایران، یعنی مواد ۱۷۹ و ۱۸۹ دانست. هرچند قانون شکار (مصوب ۴ اسفند ۱۳۳۵) و قانون شکار و صید (مصوب ۱۶ خرداد ۱۳۴۶) صرفاً درباره حفاظت از محیط‌زیست حیوانات است. اولین قانون جامع که به طور نسبی در خصوص همه ابعاد محیط‌زیست به تصویب رسید و تغییر ساختار تشکیلات سازمان حفاظت محیط‌زیست را نیز در پی داشت، قانون «حفاظت و بهسازی محیط‌زیست» (مصوب ۲۸ خرداد ۱۳۵۳) می‌باشد (دفتر حقوقی و امور مجلس سازمان حفاظت محیط‌زیست، بی‌تا، ج ۱: ۲۷). اشکال مهمی که به این قوانین وارد است، ابهام مربوط به تعریف محیط‌زیست می‌باشد. در واقع، هیچ یک از سه قانون مذکور محیط‌زیست را به طور جامع تعریف نکرده است، بلکه در همه تعاریف تنها از سه عنصر طبیعت، منابع طبیعی، شهر و مناظر سخن به میان آورده و حقوق و تکالیف را حول آن محورها بیان کرده است.

با این وجود، در اصلاحیه ۲۴ آبان ۱۳۷۱ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست، بسیاری از ایرادها و اشکالات از این نوع برطرف گردید و به نوعی قانون جامع تر تدوین گردید که متناسب با تعهدات بین المللی مبارزه با اکوساید و بوم کشی و جرم انگاری سبز بوده است. در این اصلاحیه، محیط زیست و عوامل مؤثر در آلودگی و تخریب آن به طور جزئی تعریف شده و آلودگی ها و تخریب محیط زیست را ذیل عنوان «جرایم زیست-محیطی» مطرح ساخته که برای رسیدگی به مراجع ذیصلاح قانونی (دادگاه ها) معرفی خواهند شد (دفتر حقوقی و امور مجلس سازمان حفاظت محیط زیست، بی تا، ج ۱: ۵۵-۴۸).

علاوه بر موارد فوق، در «قانون مجازات اسلامی» نیز مقرراتی وضع گردیده است که در راستای جرم انگاری جرائم محیط زیستی و حفاظت و نگهداری از محیط زیست سالم برای تمام نسل ها می باشد. به طور مثال در ماده ۶۸۶ قانون مذکور آمده است: «هر کس درختان موضوع ماده یک قانون گسترش فضای سبز را عالماً عامداً و برخلاف قانون مذکور قطع یا موجبات از بین رفتن آن ها را فراهم آورد علاوه بر جبران خسارت وارده حسب مورد به حبس تعزیری از شش تا سه سال و یا جزای نقدی از سه میلیون تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد» (قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، ۱۳۹۳: ۳۹). این ماده قانونی بسیار محدود بوده و تنها شامل قطع درختان می شود؛ لذا قادر نخواهد بود که در مورد جرایم زیست محیطی گسترده کارایی نخواهد داشت. تبصره ۲ ماده ۶۸۸ قانون مذکور نیز بیان می دارد: «منظور از آلودگی محیط زیست عبارت است از پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا یا خاک یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی، شیمیایی یا بیولوژیک آن را به طوری که به حال انسان ها یا سایر موجودات زنده یا گیاهان یا آثار یا ابنیه مضر باشد تغییر دهد» (قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، ۱۳۹۳: ۴۰). در این تبصره، تلاش شده است مفهوم «بزه دیده زیست محیطی» را علاوه بر انسان ها به «سایر موجودات زنده یا گیاهان» و حتی «آثار یا ابنیه» نیز گسترش دهد که از این لحاظ بیشتر در جهت تأمین عدالت زیست محیطی و توسعه پایدار می باشد.

نکته ای که با وجود دو ماده فوق شاید محل اشکال باشد، آن است که با وجود مواد مذکور، آیا نیازی به جرم انگاری سبز درباره جنایات بوم زدایی در قوانین ایران وجود دارد. به نظر می رسد حداقل به دو دلیل بهتر است قانونگذار اقدام به جرم انگاری محیط زیستی در زمینه جرائم بزرگ تر نماید:

- نخست اینکه، جرم های سبز مانند اکوساید حداقل در برخی موارد به صورت فراملی به وقوع می پیوندد و در این صورت در مورد قانون و دادگاه صالح با تعارض قوانین مواجه خواهیم شد. لذا جرم انگاری سبز تحت عنوان مستقل اکوساید در موارد مذکور ضروری به نظر می رسد.

-دوم اینکه، جرم‌انگاری مستقل جنایات زیست‌محیطی کاربرد اعلامی و آموزشی خواهد داشت. بدین معنی که قانونگذار با جرم‌انگاری سبز در این زمینه، اعلام می‌دارد که حفظ اکوسیستم‌ها برای وی ارزشمند می‌باشد.

قانون دیگر مربوط به حفظ محیط‌زیست، «قانون مدیریت پسماندها» مصوب ۹ خرداد ۱۳۸۳ است. هدف این قانون، همان‌گونه که در ماده ۱ آن آمده است، «تحقق اصل پنجاه قانون اساسی و حفظ محیط‌زیست کشور از آثار زیانبار پسماندها و مدیریت بهینه آن» است (مدیریت پسماندها، بی‌تا، ۱). در واقع، یکی از مواردی که به صورت گسترده باعث صدمه زدن به اکوسیستم‌ها می‌شود مدیریت نادرست زباله‌ها می‌باشد که در بلندمدت خسارات جبران‌ناپذیری به محیط‌زیست کشور تحمیل خواهد کرد. بنابراین، قانونگذار با وضع قوانینی به پیشگیری از این امر پرداخته و مجزات‌هایی را نیز برای بزه‌کاران در این حوزه در نظر گرفته است. ویژگی مهم این قانون کلی و شمولیت آن می‌باشد که در آن «کلیه وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها و مؤسسات و نهادهای دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام می‌باشد و کلیه شرکت‌ها و مؤسسات و اشخاص حقیقی و حقوقی موظفند مقررات در این قانون را رعایت نمایند» (مدیریت پسماندها، بی‌تا، ۱). علاوه بر این، دسته‌بندی انواع پسماندها در ماده ۲ همین قانون، امکان شناسایی پسماندها با آسیب‌رسانی بالا را فراهم ساخته است و در این راستا برای حفظ محیط‌زیست و توسعه پایدار کشور بسیار مثمرتر خواهد بود.

جرم‌انگاری در رابطه با پسماندهای آسیب‌رسان به محیط‌زیست در ماده ۱۶ قانون مدیریت پسماندها با ذکر جزئیات آمده است. چنان‌که مقرر شده است «نگهداری، مخلوط کردن، جمع‌آوری حمل و نقل، خرید و فروش، دفع، صدور تخلیه پسماندها در محیط بر طبق مقررات این قانون و آیین‌نامه‌های اجرایی آن خواهد بود. در غیر این صورت اشخاص متخلف به حکم مراجع قضایی به جزای نقدی در بار اول ... و در صورت تکرار، هر بار دو برابر مجازات قبلی در این ماده محکوم می‌شوند» (مدیریت پسماندها، بی‌تا، ۷-۶). آنچه در این مورد نیازمند توجه بیشتر است عدم تناسب جرم با مجازات است. زیرا هر یک از اعمال مذکور در ابتدای ماده ۱۶ می‌تواند آسیب‌های جبران‌ناپذیر و گسترده‌ای را بر اکوسیستم‌ها برجای بگذارد و ضمانت اجرای مذکور ناکافی به نظر می‌رسد.

«همچنین با توجه به تعداد قوانینی که با مسائل زیست محیطی به معنای عام آن مرتبط هستند در این راستا و قوانین ناسخ و منسوخ، عام و خاص، مطلق و مقید وجود دارد که قانون‌گذار با توجه به اهمیت موضوع، مواردی از قانون مجازات اسلامی مانند: ۶۷۵، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۶، ۶۸۸، ۶۸۹ را به این مهم اختصاص داده است. نتایج بررسی‌های چند ساله اخیر حاکی از آن است که اغلب دعاوی مطرح شده از طرف ادارات کل حفاظت



محیط زیست علیه واحدهای تولیدی و صنعتی که به نحوی آلاینده به چرخه محیط زیست وارد می‌سازند به استناد ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات است» (اندیشکده ارزش، ۱۶ بهمن ۱۳۹۶).

همچنین در قوانین و مقررات نظام حقوقی ایران از گذشته تا به امروز متناسب با تعهدات و کنوانسیون‌های پذیرفته شده بین‌المللی حفاظت از محیط‌زیست سالم و ایمن مورد تأکید قرار گرفته است و سازوکارهای قانونی لازم جهت مقابله با جرائم زیست-محیطی نیز کم‌وبیش وضع شده و مورد اجرا قرار گرفته است. این موارد نشان‌دهنده نقش و مسئولیت خطیر دولت ایران در حفظ محیط‌زیست به منظور توسعه پایدار کشور است. هرچند در عمل با مسائل و مشکلات عدیده، به ویژه از سوی خود دولت و شرکت‌های بزرگ ذینفوذ در زمینه آلودگی‌های زیست‌محیطی و تخریب زیست‌بوم و چه بسا اکوسایده مواجه هستیم. به‌رغم وجود سازوکارهای قانونی و تمهیدات حقوقی در راستای توسعه پایدار کشور با در نظر گرفتن حفاظت از محیط‌زیست سالم و اقدامات دولت در این زمینه، اما شاید بتوان ادعا کرد که مهم‌ترین چالش‌های زیست‌محیطی کشور از سوی نهاده، سازمان‌ها و ارگان‌ها وابسته به دولت و یا شرکت‌های بزرگ به وقوع می‌پیوندد. اقدام دولت به ساخت به‌رویه سدها در مسیر رودخانه‌های منتهی به دریاچه ارومیه منجر به خشک شدن این میراث زیست‌محیطی منحصر به فرد جهانی شده است. یکی دیگر از بحران‌های زیست‌محیطی در ایران، قطع بیش از سه هزار اصله درخت جنگل‌های هیرکانی برای ساخت سد سفارود گیلان است. آلودگی هوای کلان‌شهرهای کشور یکی دیگر از بحران‌های زیست‌محیطی است که دولت نقش مهمی در پیدایش آن داشته است.

#### ۴- یافته‌ها و نتایج پژوهش

کشورها در مسیر دستیابی به توسعه پایدار علاوه بر جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی توسعه، ملزم به رعایت قواعد حفظ محیط‌زیست سالم و ایمن هستند. توسعه یافتگی بدون ملاحظه مختصات اقلیمی، زیست‌محیطی، جغرافیایی، طبیعی هر کشور توسعه‌ای ناپایدار خواهد بود که در بلندمدت کشور را با بحران‌های زیست‌محیطی و آلودگی و تخریب آب، خاک و هوا مواجه خواهد ساخت. براساس مبانی توسعه پایدار که در کنوانسیون‌ها و معاهدات بین‌المللی بر آن تأکید شده است، حق برخورداری از محیط زیست سالم، یکی از حقوق بنیادین بشر و از جمله ارکان توسعه پایدار به شمار می‌آید.

برای مقابله با پیامدهای ناگوار تخریب محیط‌زیست، بهره‌برداری و استفاده از منابع طبیعی هر کشور باید با برنامه‌ریزی و مدیریت دقیق نهادها و سازمان‌های صلاحیت‌دار صورت گیرد. در این زمینه دولت‌ها به طور عام و دولت جمهوری اسلامی به طور خاص،

خود را متعهد به «استفاده معقول» از منابع طبیعی واقع در قلمرو خود نمایند. بحران‌های زیست محیطی ناشی از مداخلات بشر یکی از مهم‌ترین چالش‌های عصر حاضر است که به پیدایش جرم‌شناسی سبز یا جرم‌شناسی محیط‌زیستی انجامیده است. جرم‌شناسی سبز، حول محور رابطه انسان و محیط‌زیست و ضرر و زیان‌های انسان به طبیعت و محیط‌زیست پیرامون خود و راه‌های مقابله با آن قرار دارد.

باتوجه به قانون اساسی جمهوری اسلامی و دیگر اسناد بالادستی و همچنین قوانین عادی و آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها پیرامون توسعه پایدار، محیط‌زیست بستری برای حیات اجتماعی و رشد و پیشرفت نسل حاضر و نسل‌های آینده است و هرگونه آسیب به محیط‌زیست کشور و آلودگی‌هایی که ممکن است این محیط را درگیر کند، جنبه عمومی داشته یعنی زندگی عموم مردم را مختل می‌سازد و مشکل عمومی محسوب می‌شود. همزمان با آن، در نظام حقوقی ایران، مجموعه قوانینی در جرم‌انگاری سبز جهت مقابله با جرائم زیست محیطی وضع و اجرا شده است تا از این رهگذر، توسعه پایدار مبتنی بر یک محیط‌زیست سالم و ایمن را برای تمام نسل‌ها فراهم سازند. با وجود این قوانین و الزام‌های داخلی و بین‌المللی، اما در عمل شاهد آن هستیم که دولت در اجرای برنامه‌های عمرانی و اقدامات توسعه‌ای و خدمات‌رسانی کمتر به مسائل زیست محیطی توجه داشته و گاه خود بزرگ‌ترین ناقض قوانین حمایت از محیط‌زیست سالم به شمار می‌آید. تخریب جنگل‌ها، رودخانه‌ها، آلودگی هوای کلان‌شهرها، خشک شدن دریاچه‌ها در نتیجه ساخت بی‌رویه سدها و ... بخشی از اقدامات مجرمانه سبز یا محیط‌زیستی است که طی دهه‌های اخیر زیست‌بوم کشور را به شدت تهدید کرده است و این درحالی است که دولت یک عامل مهم در این تخریب‌ها و آسیب‌ها بوده است. با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر، پیشنهاد می‌شود:

- تعریف جامعی از ضررهای زیست محیطی و به دنبال آن جرایم سبز ارائه شود و قوانین متناسب با آن به تصویب برسد؛
- پس از آن، ضمانت‌های اجرای مؤثر و متناسب با این جرائم زیست محیطی وضع گردد. زیرا ضمانت اجرای نامتناسب و عدم برخورد با بزهکاران سبز، منجر به نقض پی‌درپی قوانین و ناکارآمدی حکمرانی در این حوزه می‌شود؛
- بهره‌گیری از رسانه‌های عمومی بویژه تلویزیون و تدوین برنامه‌های آموزشی در مدارس و دانشگاه‌ها به منظور آگاهی بخشی در زمینه توسعه پایدار مبتنی بر حفظ محیط‌زیست سالم و جرائم زیست محیطی که انجام آن منع قانونی دارد.

## منابع و مآخذ:

- افراز، علیرضا. (۱۳۷۵). تابستان «توسعه پایدار از مفهوم تا عمل»، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ویژه: ۳۸-۱۳.
- اندیشکده ارزش (۱۳۹۶). «حقوق زیست محیطی و جرائم مربوط به آن»، قابل دسترس در: <https://www.arzeshinstitute.ir/%D8%A7%D8%B7%D9%84%D8%A7%D8%B9%D8%B1%D8%B3%D8%A7%D9%86%DB%8C/%D8%A7%D8%AE%D8%A8%D8%A7>
- آقایی، سید داود. (۱۳۸۲، بهار) «راهبردهای توسعه پایدار در سازمان ملل متحد»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، 59: 25-11 (513) 0
- بریسمن، اوی و نیگل ساوت. (۱۳۹۸، زمستان) «جرمشناسی سبز و جرائم و آسیبهای زیستمحیطی»، تمدن حقوقی 2، 5: 92-66. تقی‌زاده انصاری، مصطفی. (۱۳۷۴) حقوق محیط‌زیست در ایران. تهران: سمت.
- جهانبیور، محمدرضا و احمدرضا توحید. (۱۴۰۰، تابستان) «جایگاه توسعه پایدار در حقوق بین‌الملل با تأکید بر رویه دولتها»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی 51، 2: 660-641.
- حاجی‌وند، امین، میرکمالی، علیرضا، صفری، فرشید؛ سروی سرمیدانی، امید. (۱۳۹۷). «مسئولیت کیفری دولت در قبال جرائم زیست‌محیطی در ایران: ضرورت‌ها و چالش‌ها»، فصلنامه علوم محیطی، 16(2)، 65-82.
- دفتر حقوقی و امور مجلس سازمان حفاظت محیط‌زیست. (بی‌تا) مجموعه قوانین و مقررات محیط‌زیست. تهران: سازمان حفاظت محیط‌زیست، ۲ جلد. قابل دسترس در: <https://lp.doe.ir/portal/file/?754601/mohit-1..pdf>
- دفتر مدیریت پسماندها. (بی‌تا) قوانین، آئیننامه‌ها و دستورالعملهای مدیریت پسماندها. تهران: سازمان حفاظت از محیط زیست.
- دیوب، اس. سی. (۱۳۷۷) نوسازی و توسعه: در جستجوی قالبهای فکری بدیل. برگردان احمد موقتی. تهران: قومس.
- رضانیقوامآبادی، محمدحسین و حسن شفیق‌فرد. (۱۳۹۵، بهار) «توسعه پایدار و حق بر محیط زیست سالم: چشمانداز نسلهای آینده»، فصلنامه سیاست جهانی 5، 1: 271-241.
- زبیری، کرامت‌الله. (۱۳۸۰، دی) «توسعه پایدار و مسئولیت برنامه‌ریزان شهری در قرن بیستویکم»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران 160، 385-371 (982) 0
- سلیم، امیل. (۱۳۹۱) «پارادایم توسعه پایدار»، در نهادینه‌سازی توسعه پایدار، برگردان یحیی کمالی. تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
- سلیم‌تیکمان، حجت. (۱۳۹۰، بهار) «بررسی مشکل زیستمحیطی دریاچه ارومیه از منظر حقوق بین‌الملل محیط‌زیست»، فصلنامه راهبرد 20، 58: 202-177.
- سن، آمارتیا کومار. (۱۳۸۱) توسعه به مثابه آزادی. برگردان سید احمد موقتی. تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- سن، آمارتیا کومار. (۱۳۸۶، زمستان) «مفهوم توسعه»، برگردان شاکه سرکسیان و علی گودرزی. فصلنامه راهبرد یاس. 12: 184-157.
- شایگان، آفریده. (۱۳۸۸) حق توسعه. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- شیری، عباس. (۱۴۰۲). «جرم دولتی در جرایم علیه محیط زیست». مدیریت مخاطرات محیطی. 10(3)، 233-244.
- شریفی، محسن (۱۴۰۲). «نقدی بر رویکرد قانون‌گذار ایران در قبال بزه‌کاری سبز». مطالعات حقوقی، دوره پانزدهم - شماره ۱، صص ۶۵-۹۱.
- شمسایی، محمد. (۱۳۸۵) «حقوق بین‌الملل اقتصادی و حق توسعه پایدار»، مجله پژوهش حقوق و سیاست 8، 19: 24-7.
- شیوا، وان‌دانا. (۱۳۷۷) «منابع»، در نگاهی به مفاهیم توسعه. برگردان فریده فرهی و وحید بزرگی. تهران: نشر مرکز.
- فقیه حبیبی، علی. (۱۴۰۱). «تحول جرایم زیست محیطی در پرتو تکوین قواعد بین‌المللی زیست محیطی». پژوهش‌های روابط بین‌الملل. 12(2)، 131-150.
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵. (۱۳۹۳) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵: کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی - تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده (مصوب ۱۳۷۵/۰۳/۰۲). قابل دسترس در: <https://www.ekhtebare.ir/wp-content/uploads/2014/09/-1375.pdf>
- قلیپور، غلامرضا و نسرین مهرا. (۱۳۹۹، بهار) «جنایت اکوساید: گذشته، حال و آینده». پژوهش حقوق کیفری 8، 81-30: 43.
- کلاین، ناتومی. (۱۳۹۷) آخرین فرصت تغییر: سرمایه‌داری در تقابل با شرایط اقلیمی. برگردان مجید امینی. تهران: لاهیتا.
- محمودی، محمدمهدی. (۱۳۸۸) توسعه مسکن همساز با توسعه پایدار. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مرکز پژوهشهای مجلس. (۱۳۸۲) «سیاستهای کلی نظام در دوره چشم‌انداز»، برگرفته از سایت (۱۸ شهریور ۱۴۰۲): <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/132299>
- مسعودی، علی. (۱۳۹۴) حقوق بین‌الملل محیط زیست با تکیه بر نقش دیوان بین‌المللی دادگستری در توسعه آن. تهران: نشر مجد.
- معاونت حقوقی ریاست جمهوری. (بی‌تا) «قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴ - ۱۳۹۰)». سامانه قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران. قابل دسترس در: <https://qavanin.ir/Law/TreeText/176762>
- معاونت حقوقی ریاست جمهوری (تهیه و تنظیم). (۱۳۹۵) مجموعه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. تهران: اداره چاپ و انتشار معاونت تدوین، تقیح و انتشار قوانین و مقررات.

مقیم، حسن. (۱۴۰۲، بهار) «مروری بر روند تکاملی مدل‌های توسعه پایدار با رویکردی انتقادی»، فصلنامه مطالعات مدیریت و توسعه پایدار 3، 1: 93-71.

نصیری، حسین. (۱۳۷۹) توسعه پایدار: چشمانداز جهان سوم. تهران: نشر فرهنگ و اندیشه.

منابع انگلیسی

- Barrow, C.J. (1995) "Sustainable Development: Concept, Value and Practice," *Third World Planning Review*, 17, 4: 369-386.
- Brisman, Avi & South, Nigel (2019, January) "Green Criminology and Environmental Crimes and Harms," *Sociology Compass*, 13(1). <https://doi.org/10.1111/soc4.12650>
- Elliott, Jennifer. (2006) *An Introduction to Sustainable Development*, London: Routledge.
- Halsey, Mark & White, Rob. (1998) "Crime, Ecophilosophy and Environmental Harm," *Theoretical Criminology*, 2, 3: 345-371.
- Henry, Jane. (2001) *Creativity and perception in management*, Boston: Walton Hall Publication.
- Kirkpatrick, Colin. (2001) *Development of Criteria to Access the Effectiveness of National Strategies for Sustainable Development*, Manchester: University of Manchester.
- Shelton, Danah. (2006) "Human Rights, Environmental Rights, and the Right to Environmental," *Denver Journal International Law & Policy*: 35, 1. 129-171.
- White, Rob. (2008) *Crimes against Nature: Environmental criminology and ecological justice*. London: William Publishing.
- White, Rob & Diane Heckenberg. (2014) *Green criminology: An introduction to the study of environmental harm*. Abingdon, London: Routledge.